یادداشت روز

روزهایی که فراموش نمی‌شود

یکی از تلخ‌ترین لحظات در طی ۸ سال دولت تدبیر و امید(!) وقتی بود که آقای روحانی پس از ۱۲ روز ناآرامی و آشوب به دنبال سوءتدبیری دولت وقت و اجرای غافلگیرانه طرح اصلاح قیمت حامل‌های انرژی در ۲۴ آبان ۱۳۹۸؛ با لبخند خاص خود ۶ آذر ۱۳۹۸ در مقابل دوربین‌ها گفت: «من هم مثل همه مردم ایران مطلع شدم که صبح جمعه قیمت بنزین تغییر کرده است چرا که من هم این طرح را به شورای امنیت واگذار کرده بودم و به آنها گفته بودم که زمانش را به من نگویید.» آن‌قدر این اظهار نظر بد بود که حتی غلامحسین کرباسچی به عنوان یکی از حامیان دولت تدبیر(!) نیز به آن اعتراض کرد: «به‌عنوان یکی از حامیان این دولت غرق در عرق شرم از مصاحبه جناب وزیر کشور بودم که سخنان همراه با قهقهه جناب رئیس‌جمهور پاک ناامیدمان کرد.» اما حقیقت این بود که آقای روحانی کاملا در جریان زمان انجام طرح قرار داشت. سه روز بعد از سخنان تأسف‌بار رئیس دولت دوازدهم، ۹ آذر ۱۳۹۸ جمال عرف معاون سیاسی وزیر کشور گفت: «روز سه شنبه[۲۱ آبان ۱۳۹۸] ساعت ۱۰ صبح شورای امنیت کشور برگزار شد و در همان جلسه زمان سهمیه‌بندی مطرح شد. بعد از جلسه صورتجلسه آن در اختیار رئیس‌جمهور قرار گرفت. روز چهارشنبه[۲۲ آبان ۱۳۹۸] هم آقای وزیر [کشور] در دولت [درباره طرح آغاز سهمیه‌بندی و افزایش قیمت بنزین] گزارش می‌دهد.» اگر آقای روحانی به بیماری فراموشی مبتلا نباشد دست کم یک خلاف‌گویی آشکار از ایشان سر زده بود که در شرایط ملتهب آن روز مصداق نمک پاشیدن به زخم مردم بود.

خلاف‌گویی‌هایی از این دست پیشتر نیز بارها سابقه داشت، یکی از معروف‌ترین نمونه‌های آن وقتی بود که آقای روحانی ۲۱ فروردین ۱۳۹۶ در پاسخ به خبرنگار همشهری که پرسید: «در [تبلیغات] انتخاباتی وعده حل مشکلات اقتصادی مردم را دادید و گفتید در برنامه‌های من برنامه مدون ۱۰۰ روزه‌ای برای حل مشکلات اقتصادی وجود دارد اما ۳۰ اسفند سال گذشته پس از حدود چهار سال گفتید ۱۰ دولت بعدی هم نخواهند توانست مشکلات را حل کند چه اتفاقی افتاده که نظر شما تغییر پیدا کرد؟» با انکار وعده انتخاباتی‌اش گفت: «من کی گفتم صد روزه حل می‌کنم... من گفتم اگر در انتخابات موفق شوم در پایان ۱۰۰ روز اول کارهایی که در ۱۰۰ روز کردم را اعلام می‌کنم.... من که نگفتم در صد روز حل می‌کنم؛ کسی این را می‌گوید که عقل نداشته باشد. مگر می‌شود مشکلات را در ۱۰۰ روز حل کرد؟ مگر می‌شود در ۴۰ سال حل کرد؟ ۱۰۰ سال دیگر هم مشکل اقتصادی هست.» این اظهارات خلاف واقع در حالی بود که آقای روحانی ۷ خرداد ۱۳۹۲ در تبلیغات انتخاباتی خود در مقابل دوربین رسانه ملی گفت: «در برنامه مدون من علاوه‌بر برنامه برای حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی، سیاست‌داخلی، سیاست‌خارجی و امور فرهنگی، برنامه کوتاه مدت یک ماهه و صد روزه وجود دارد. ما می‌توانیم در یک زمان کوتاه تحول اقتصادی در کشور به وجود آوریم و در آن تحول اقتصادی بتوانیم با ایجاد یک دوره تنفس به کارخانه‌ها و مراکز تولیدی که امروز مشکل دارند، مشکلات آنها را در آن مدت کوتاه حل و فصل کنیم.»

این سنت ناپسند همچنان ادامه دارد. آخرین مورد آن مربوط به دیدار هفته گذشته(۱۳اردیبهشت ۱۴۰۲) آقای روحانی با وزیران و مدیران ارشد دولت تدبیر و امید(!) است. آقای روحانی در این دیدار ادعا کرد: «ما واکسن کرونا به اندازه کافی آماده کردیم و رقم بالایی را سفارش دادیم.» اما آقای روحانی ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۰ تنها چند هفته قبل از ترک کرسی ریاست جمهوری در پاسخ به افکار عمومی که می‌پرسیدند چرا دولت به اندازه کافی واکسن تهیه و توزیع نکرده است؛ گفت: «واکسن این‌گونه نیست که در دنیا فراوان باشد، سوهان قم نیست که شما وقتی از در مغازه رد می‌شوید دعوت بکنند بگویند سوهان خوب دارم. بابا! واکسن نیست به‌اندازه کافی. واکسن مطمئن در دنیا به‌اندازه کافی نیست، گرفتنش [هم] آسان نیست.» آقای روحانی در حالی می‌گوید: «رقم بالایی [واکسن] سفارش دادیم.» که کیانوش جهان‌پور سخنگوی وقت وزارت بهداشت در دولت دوازدهم با اشاره به سفارش ۱۶،۸ میلیون دوز واکسن از سبد کواکس و حتی پیش‌پرداخت هزینه آن در ژانویه ۲۰۲۱(دی ۱۳۹۹) می‌گوید: «از ۳،۶ میلیون دوز واکسن وعده داده شده برای محموله اول، آن هم با تاخیر تا پایان بهار ۲۰۲۱(بهار ۱۴۰۰) تنها ۲،۲ میلیون دوز واکسن تحویل گردید و سایر محموله‌ها نیز با تاخیر از برنامه وعده داده شده تحویل شد یا اساسا محقق نگردید.» در واقع اکثر سفارش‌هایی که آقای روحانی به آن افتخار می‌کند و هزینه آن را پیشاپیش پرداخت کرده بود به اعتراف مسئول وقت وزارت بهداشت دولت ایشان؛ اصلا وارد کشور نشد. با این حساب ما شاهد یک کلاهبرداری جهانی از دولت دوازدهم و شخص آقای روحانی به عنوان رئیس‌این دولت هستیم اما قسمت تأسف‌آور ماجرا اینجاست که آقای روحانی با قلب واقعیات حتی به کلاهبرداری غرب از دولت خودش نیز افتخار می‌کند!

روحانی در همان دیدار مورخ ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۲ می‌گوید: «نرخ دلار در اواخر سال ۹۱ حدود ۳۹۰۰ تومان بود اما در بهمن و اسفند ۹۲ به ۲۷۰۰ تومان رسید.» اما اولین سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که مگر آقای روحانی دولت را در اسفند ۱۳۹۱ تحویل گرفته و یا در اسفند ۱۳۹۲ تحویل داده که نرخ دلار را در این دو تاریخ مقایسه می‌کند؟ برخلاف ادعای آقای روحانی نرخ دلار در اواخر سال ۱۳۹۱ طبق گزارش بانک مرکزی نه ۳۹۰۰ تومان که ۳۵۷۳ تومان بود و در زمان استقرار کابینه ایشان در شهریور ۱۳۹۲ این نرخ به ۳۱۷۷ تومان رسید. نرخ دلار در اواخر سال ۱۳۹۲ نیز باز هم برخلاف ادعای آقای روحانی و طبق گزارش بانک مرکزی دولت ایشان نه ۲۷۰۰ تومان که ۳۰۲۶ تومان بود. بر این اساس طی ۶ ماهه اول استقرار دولت ایشان نرخ دلار در بازار آزاد فقط حدود ۱۵۰ تومان افت کرد و نرخ دلار در بازار بین‌بانکی حدود ۱۲۰ تومان افزایش داشت. این دیگر بازی با آمار نیست بلکه مصداق واضح انتشار اطلاعات کذب و بی‌اساس است. اما اگر بر خلاف بازه زمانی سؤال برانگیزی که آقای روحانی انتخاب کرده؛ نرخ دلار را در ابتدا و انتهای مسئولیت ایشان مقایسه کنیم از نرخ ۳۱۷۷ تومان در شهریور ۱۳۹۲ به ۲۷۷۴۰ تومان در شهریور ۱۴۰۰ می‌رسیم یعنی چیزی حدود ۹۰۰ درصد افزایش!

آقای روحانی در قسمت دیگری از سخنان خود در این دیدار می‌فرمایند: «تورم نقطه به نقطه از ۴۵ درصد به ۱۴ درصد رسید، یعنی ۳۱ واحد درصد کاهش پیدا کرد.» اما ما یادمان نرفته در بازه زمانی مورداشاره ایشان آنچنان رکودی بر کشور حاکم بود که چهار وزیر دولتشان طی نامه‌ای مورخ ۱۸ شهریور ۱۳۹۴ خطاب به ایشان با هشدار تبدیل شدن رکود به بحران نوشتند: «از دی ماه سال ۱۳۹۲ تاکنون ظرف مدت ۱۹ ماه ارزش بازار بر اساس شاخص قیمت ۴۲ درصد کاهش یافته و به لحاظ افت ارزش، بازار کاهشی معادل ۱۸۰ هزار میلیارد تومان را شاهد است.... در برهه کنونی اگر به صورت ضرب‌الاجل و براساس قواعد حاکم در شرایط بحران اتخاذ تصمیم نگردد، بیم آن می‌رود که این رکود تبدیل به بحران و آنگاه بی‌اعتمادی شود که برای زدودن آثار آن شاید مدت‌ها وقت لازم لاشد.» طی سال‌های ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴ و حتی ۱۳۹۵ آقای روحانی و دولتمردانش بارها وعده خروج از رکود دادند و تا مرداد ۱۳۹۳ دو بسته خروج از رکود تدوین و منتشر کردند و در مهر ۱۳۹۴ نیز از یک بسته دیگر خروج از رکود رونمایی کردند! واضح است تورمی که با رکود روندی کاهشی طی کند قابل افتخار نیست؛ همان‌طور که هیچ پزشکی نمی‌تواند با مرگ بیمارش؛ از کاهش پیدا کردن درجه تب او خوشحال باشد!

رئیس‌جمهور سابق در دیدار با وزیران و مدیران ارشد دولت خود، اظهارات و ادعاهای دیگری نیز کرده که تقریبا به اندازه موارد فوق مستند و دقیق است. ما هنوز امید داریم که این اظهارات خلاف واقع ناشی از فراموشکاری ایشان باشد چرا که این حجم از خلاف‌گویی برای یک شخصیت روحانی تأسف‌آور است و صلاحیت ایشان را برای تصدی مسئولیت‌های کم اهمیت نیز مخدوش می‌سازد.

سید محمدعماد اعرابی

اسلامی مطرح کرد

بهره‌مندی ۱۴۰ بخش صنعتی کشور از دستاوردهای سازمان انرژی اتمی

رئیس سازمان انرژی اتمی گفت: بیش از ۱۴۰ بخش صنعتی کشور از جمله صنایع فولاد، سیمان و پتروشیمی از دستاوردهای سازمان انرژی اتمی استفاده می‌کنند.

نخستین محصولات فناورانه با سطح فناوری بالا در حوزه ابزار اندازه‌گیری شتاب‌دهنده‌های الکترون مرکز فناوری و نوآوری رسا در مراسمی رسمی با حضور محمد اسلامی معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، معاونان سازمان و متخصصان صنعت هسته‌ای ۱۸ اردیبهشت ماه به‌طور رسمی به بازار عرضه شد.

محمد اسلامی در مراسم عرضه نخستین محصولات فناورانه مرکز رسا به بازار ضمن تشکر از تمام کسانی‌که زیست‌بوم فناوری هسته‌ای را پایه‌گذاری کردند، بیان کرد: نقش سازمان انرژی اتمی ایران، یک نقش راهبردی است.

وی درباره حضور بخش خصوصی در این عرصه گفت: ورود بخش خصوصی به عرصه‌های گوناگون طبیعی است. سازمان انرژی اتمی ایران نیز باید تا جایی که می‌تواند ریسک فعالیت و سرمایه‌گذاری را به سمت صفر سوق دهد.

رئیس سازمان انرژی اتمی با بیان اینکه توسعه کاربرد پرتوها و نیز دستیابی به ۱۰ هزار مگاوات برق جدید هسته‌ای را در این سازمان هدف‌گذاری کرده‌ایم، عنوان کرد: با توجه به اهداف تعیین شده و تکلیف قانونی که برعهده داریم با قدرت در مسیر توسعه کاربرد پرتوها و افزایش تولید برق هسته‌ای از طریق سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی حرکت می‌کنیم.

اسلامی با اشاره با اینکه حوزه توسعه کاربرد پرتوها و افزایش تولید برق هسته‌ای دارای مزیت‌های اقتصادی غیرقابل انکار است، تأکید کرد: برای افراد علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در این حوزه‌ها، مجوزهای قانونی را فراهم می‌سازیم تا در این مسیر حرکت کنند که این مهم نشان می‌دهد که میدان و مسیر باز است.

وی اضافه کرد: کشور به شدت به انرژی پاک و پایدار نیاز دارد و با توجه به وضعیت فعلی اکوسیستم و تغییرات اقلیمی، همه ما مکلف هستیم در مسیر کربن صفر حرکت کنیم که سازوکار این مسئله فراهم شده است.

رئیس سازمان انرژی اتمی ایران همچنین در بخش دیگری از اظهاراتش با بیان اینکه این مسیر را هدف‌گذاری کرده‌ایم و نیز برنامه‌ها و سیاست‌هایی تعیین شده که مسیر حرکت را برای پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای مشخص کرده، گفت: صندوق تحقیق و توسعه سازمان انرژی اتمی ایران با هدف حمایت از این تفکر تشکیل شده است تا بتواند تحقق این اهداف را حمایت کرده و به ثمر برساند.

اسلامی با اشاره به اینکه ثروت انسانی در این مسیر بزرگ‌ترین موهبتی است که در اختیار داریم، اظهار داشت: حجم نیروی انسانی فرهیخته و دانشمند ما قابل ملاحظه است و هیچ سازمانی به‌اندازه سازمان انرژی اتمی ایران، نیروی متخصص در اختیار ندارد. تلاش ما این است که محیط را آرام کرده و با تعاملات بین‌المللی گسترده بتوانیم ظرفیت‌های علمی و پژوهشی را پشتیبانی کنیم تا به خدمت گرفتن آن، چرخ توسعه کشور به حرکت درآید.

رئیس سازمان انرژی اتمی ایران عنوان کرد: این مسیر را همچنان دنبال می‌کنیم و همان‌گونه که ابتدای سال اعلام کردم؛ همکاران ما سال ۱۴۰۱، یک سال پرنشاط و پرتحرک را تجربه کردند به‌طوری که ما ۱۵۹ دستاورد دانشی، فناوری و صنعتی داشتیم که تعداد آنها کم نبوده است و به عبارت بهتر هر ۱.۵ روز کاری یک دستاورد داشته‌ایم که حکایت از پویایی و نشاط یک سازمان دارد.

اسلامی درباره عرضه ۲ طرح فناورانه در مرکز رشد و فناوری رسا سازمان انرژی اتمی در حوزه اندازه‌گیری به بازار، اظهار داشت: برنامه امروز، یک نقطه آغاز است که می‌تواند از طریق مرکز رسا در مسیر کاربردی شدن و تجاری شدن قرار گیرد و نشان دهد این مرکز در اصل یک کشتزار حاصلخیز است و این کشتزار همواره می‌تواند محصولات گوناگون داشته باشد. در این راه همه باید نسبت به حفظ سرمایه‌های سازمان حساس باشند تا این روند و جریان پابرجا باشد.

معاون رئیس‌جمهور گفت: مهم‌ترین پیام برنامه امروز، سرریز فناوری هسته‌ای به سایر بخش‌ها و درون جامعه است. نکته حائز اهمیت برای ما این است که با فناوری هسته‌ای بتوانیم بستر زندگی مردم و فعالیت‌های علمی و پژوهشی را با یک‌سری اقدامات متفاوت، تسهیل و تسریع کنیم.

رئیس سازمان انرژی اتمی با اشاره به حضور شرکت‌های دانش بنیان در عرصه صنعت هسته‌ای توضیح داد: ورود شرکت‌های دانش‌بنیان که می‌توانند همکار صنعت هسته‌ای باشند را از طریق مرکز رسا تسهیل کرده و سازوکاری فراهم کرده‌ایم تا بتوانند نتایج تحقیقات را به سامانه تبدیل و در نهایت به بازار عرضه کنند و از این طریق در اختیار جامعه قرار گیرد.

وی گفت: سامانه اندازه‌گیری و تشخیصی، یک بخش مهم از صنعت هسته‌ای محسوب می‌شود و این سامانه در هر رشته‌ای کاربرد دارد و با توجه به تحریم‌های گسترده بخش‌های مهم و صنایع، در گام نخست توانسته‌ایم بخش‌ها و تجهیزاتی که تحریم هستند را احیا کنیم و در گام دوم با حرکت خلاقانه و نوآورانه، این بخش‌ها و سامانه‌ها را ارتقا دهیم و جایگزین کنیم تا صنایع کشور از این فرصت استفاده کنند. خوشبختانه بیش از ۱۴۰ بخش صنعتی کشور نظیر صنایع فولاد، سیمان، پتروشیمی و آزمایشگاهی و سایر بخش‌های گوناگون از دستاوردهای ما استفاده می‌کنند.

اسلامی افزود: در بحث آزمایشگاهی و به‌ویژه در جریان اندازه‌گیری نوترون و الکترون، ابزارهای اندازه‌گیری شتاب‌دهنده‌ها بسیار کاربرد دارند و ما نیز به این تجهیزات نیاز داشتیم؛ به‌طوری‌که بخش الکترومغناطیس که یک سامانه و چشمه اندازه‌گیری است همه در داخل کشور ساخته می‌شود و شرکت‌های دانش بنیان که اکنون این فناوری را در اختیار دارند، می‌توانند آن را گسترش دهند و به دانشگاه‌ها، مراکز علمی و صنایع گوناگون عرضه کنند.

وی درباره میزان ارزآوری این تجهیزات و نیز اقدامات انجام شده در زمینه سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی توضیح داد: همه محصولاتی که در سازمان انرژی اتمی ایران تولید می‌شود شامل اقلامی است که قابلیت صادرات دارد زیرا براساس استانداردها و الزامات روز و تاکیدات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی طراحی و ساخته می‌شود.

اسلامی گفت: همچنین در مورد سرمایه‌گذاری خارجی در قانون بودجه برای ساخت نیروگاه‌های اتمی، سرمایه‌گذار داخلی و خارجی را پیش‌بینی کرده و در این زمینه ارتباطاتی برقرار کرده‌ایم که با توجه به مطالعات، پیگیری‌ها و مذاکراتی که تا امروز انجام شده امیدواریم شاهد افزایش میزان تولید برق هسته‌ای در کشور باشیم. وی با تأکید بر اینکه پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای در مرکز رسا به موفقیت‌هایی دست یافته است، بیان کرد: این مرکز، شرکت‌های دانش بنیان نوپا را پذیرش کرده است و آنها توانسته‌اند با رفت و آمد مدیریتی و نیز با مشارکتی که بستر آن در این‌جا فراهم شده نسبت به تولید و عرضه محصولات تحت حمایت این مرکز اقدام کنند.

رئیس سازمان انرژی اتمی ایران خاطرنشان کرد: منبع اصلی مولد فناوری در سازمان انرژی اتمی ایران، پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای است و با تحقیقات گسترده این نتایج به دست آمده که پژوهشگاه امروز پشتیبان صنعت هسته‌ای محسوب می‌شود. بنابراین هر چه یافته‌های نوین و این مرکز فناوری ارتقا یابد به همان اندازه به این شرکت‌ها هم منتقل می‌شود تا بتوانند سامانه‌های اندازه‌گیری و تشخیصی روزآمدی را ساخته و در داخل کشور بفروشند و نیز بازارهای صادراتی هم داشته باشند.

خبر ویژه

خسارات دولت خاتمی و روحانی مهندسی شده بود، نه تصادف

روزنامه هم‌میهن ادعا کرد از بدبیاری میانه‌روها در ایران است که هرگاه در ایران به قدرت می‌رسند، تحولات ینگه دنیا بساط آنها را به هم می‌زند(!)

این روزنامه اخیرا درباره نافرجامی برجام نوشته بود « ایران‌شانس آورد که ترامپ آمد و با یک تصمیم، از برجام خارج شد. اگر خانم کلینتون به کاخ سفید وارد شده بود، به سوی استفاده از مکانیسم ماشه حرکت می‌کرد»!

هم‌میهن همچنین درمطالب مشابهی به مناسبت پنجمین سالگرد خروج آمریکا از برجام نوشت:

« روشن نیست از بدبیاری میانه‌روهای ایرانی است، یا روند درونی تحولات ایالات متحده چنین اقتضا می‌کند که هرگاه سیاست تنش‌زدایی و عادی‌سازی در ایران کمی قدرت می‌گیرد، ناگهان اتفاق و انتخابی در ینگه دنیا رخ می‌دهد و پس‌لرزه‌های آن، خیلی زود معادلات سیاست داخلی و خارجی ایران را متاثر می‌کند.

اگر در ابتدای انقلاب، این جوانان پرشور و احزاب و نیروهای چپ و رادیکال درون ایران بودند که با تسخیر سفارت و بالا بردن پرچم آمریکاستیزی، سرنوشت کارتر، رئیس‌جمهور دموکرات و منادی حقوق‌بشر را دگرگون کردند؛ در دهه‌های بعد، این اتفاق به‌شکلی معکوس رخ داد و طالع میانه‌روها و اصلاح‌طلبان ایرانی را وارونه کرد.

نخستین بار، دگرگونی سرنوشت اصلاح‌طلبان و میانه‌روهای ایران و تقویت نیروهای راست رادیکال با اتفاق ۱۱سپتامبر۲۰۰۱ رخ داد. تروریست‌های القاعده با هواپیما به برج‌های دوقلوی سازمان تجارت جهانی و پنتاگون زدند و نه فقط سیاست‌های آمریکا که کل جهان را متاثر ساختند. این حملات که همزمان با دولت جمهوریخواه جورج بوش پسر رخ داد، او و کابینه‌اش را از اردوگاه محافظه‌کاری به دامان راست رادیکال (نئوکان‌ها)انداخت. چهره‌های تندرویی مثل دیک‌چنی، دونالد رامسفلد، کاندولیزا رایس و جان بولتون قدرت گرفتند و محافظه‌کاران میانه‌رو و معتدلی از جنس کالین پاول به حاشیه رفتند. درنتیجه این تحولات بود که حمله به افغانستان و سقوط دولت طالبان صورت گرفت. ایران نیز همکاری‌های پیداوپنهانی با ائتلاف مبارزه با تروریسم به رهبری آمریکا داشت. بااین‌حال، پس از سقوط طالبان، سخنرانی تند بوش و قرار دادن نام ایران در کنار کره‌شمالی و عراق به‌عنوان «کشورهای عضو محور شرارت» ورق را به کل برگرداند. نه فقط فرصت تنش‌زدایی سوخت که همه کاشته‌های‌هاشمی‌رفسنجانی و خاتمی در زمان دولت دموکرات بیل‌کلینتون که گفتمان تخاصمی را در ایران به حاشیه رانده بود، بر باد رفت.

تضعیف گفتمان و دستاورد میانه‌روهای ایرانی در حوزه سیاست خارجی، اعتماد به‌نفس مخالفان آنان در سیاست داخلی را نیز افزود. چنین بود که فشارهای آنان بر دولت و مجلس اصلاحات از سال ۱۳۸۱ به‌تدریج مضاعف شد. کنار کشیدن پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان از انتخابات شوراها در اواخر سال ۱۳۸۱ این روند را تقویت کرد تا نیمه اول دهه ۱۳۸۰ برخلاف نیمه دوم دهه ۱۳۷۰، به دوران سلسله شکست‌های پیاپی و نهایت حذف کامل اصلاح‌طلبان از قدرت در سال ۱۳۸۴ تبدیل شود.

اما آنچه ۱۳ سال بعد از روی کار آمدن احمدی‌نژاد، با خروج ترامپ از برجام رقم خورد؛ ابعادی گسترده‌تر از تاثیر نابه‌هنگام تحولات داخلی آمریکا بر معادلات داخلی ایران به همراه داشت. دولت میانه‌روی روحانی محوریت مسائل خارجی (رفع تحریم‌ها و عادی‌سازی موقعیت بین‌المللی)، بر سر کار آمده بود. کارنامه روحانی و تیم سیاست خارجی و مجموعه دولت او نیز، تا آن روز قابل‌قبول بود. اما آنچه در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ رخ داد، همچون سیلابی بود که همه سدها و ساخته‌های دولت میانه‌رو و حامیانش را از میان برد و در مقابل، بزرگراهی میان‌بر پیش‌روی راست رادیکال ایران نهاد تا بیش از پیش بر دولت مستقر بتازد و نهایتا در خرداد ۱۴۰۰ کل میانه‌روها را از ساخت قدرت بیرون‌اندازد.

نکته کلیدی ماجرا اما آنجا بود که رفتن ترامپ و شکست جمهوریخواهان در انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا نیز، مانع از تداوم پیامدهای اقدام ترامپ نشد. ریشه تداوم این وضعیت، منافع و موقعیتی بود که راست رادیکال در سایه اقدام ترامپ در داخل ایران یافت و توانست در سایه پوپولیسم و جهان‌ستیزی او، میخ‌های خود را محکم‌تر بکوبد. در واقع، ظهور ترامپ و خروج او از برجام، سوغات ناگهانی راست رادیکال آمریکا به راست رادیکال ایران بود؛ سوغاتی که با آن، توانست روند تحولات داخلی و خارجی ایران را که به سوی تقویت میانه‌روی و عادی‌سازی رفته بود؛ وارونه کند».

درباره این تحلیل گفتنی است:

اولا نویسنده، طیف مقابل جریان خودشان را راست رادیکال معرفی می‌کند و طبیعتا طیف متبوع خودشان را در جریان چپ جانمایی می‌کند. اما او یادش می‌رود که چپ‌ها را به خاطر تسخیر سفارت آمریکا رادیکال خوانده، ضمن این که در ادبیات سیاسی دنیا مشابهی برای این ادعا پیدا نمی‌شود که کسی یک جریان خوش‌بین به آمریکا و مدعی میانه‌روی را چپ قلمداد کند!

دوم؛ ادبیات «ایران شانس آورد» و «بدبیاری میانه‌روها»، سند وهم‌اندیشی و رویاپردازی و خرافه‌پرستی نویسندگان هم‌میهن است وگرنه تحولات سیاسی جهان دارای منطق کاملا روشن علمی است. برجام چون از سر خیال‌پردازی و نفوذزدگی تنظیم شد، زیر پای سه دولت اوباما و ترامپ و بایدن نقض شد. و ادبیات دولت‌های آمریکایی در مقابل سازش‌طلبان ایرانی درازتر شد، چون از آنها ضعف و انفعال و تسلیم طلبی دیدند.

سوم؛ کارتر و دموکرات‌های پس از او، معتدل و حقوق بشری نیستند؛ چه این که بسیاری از جنگ و جنایت‌ها و تحریم و ترورها علیه ملت‌ها و از جمله ملت ما، در دوره مدیریت دولت‌های دموکرات آمریکا رخ داده است. تسخیر لانه جاسوسی نیز در اعتراض به تداوم جنایات آمریکا در قالب پناه دادن به شاه و حمایت از گروهک‌های تروریست تجزیه‌طلب و تلاش برای کودتا و... رخ داد.

چهارم؛ هر دولتی که تصمیماتش را تابعی از منویات تهاجمی و استکباری آمریکا بکند، و استقلال خود و ملتش را بفروشد، بی‌تردید تحقیر می‌شود و تهدید را به سمت کشورش جلب می‌کند؛ چنان‌که دولت‌های خاتمی و روحانی در حوزه تهدیدات امنیتی و نظامی، سیاسی و اقتصادی مرتکب شدند.

پنجم؛ ماجرای یازده سپتامبر اگر سناریوی طراحی شده صهیونیسم مسیحی نباشد -که قرائنی برای آن وجود دارد- بهانه این جریان واقع شد وگرنه ۴ سال قبل از ۱۱ سپتامبر، پروژه تهاجمی « قرن جدید آمریکایی» دراندیشکده امریکن اینترپرایز تدوین شده بود و دولت بوش ماموریت اجرای آن را داشت. ابتنای این طرح هم پروژه‌هایی مانند خاورمیانه جدید و جنگ جهانی چهارم بود.

ششم؛ سقوط دولت‌های خاتمی و روحانی، اگرچه در انفال دیپلماتیک‌شان هم ریشه داشت و موجب انزجار مردم شد، اما از آن بیشتر، متاثر از انزجار مردم نسبت به سیاسی‌کاری و بی‌عملی و اشرافی‌گری و تضعیف منابع اقتدار و امنیت ملی داشت.

ششم؛ مصیبت دولت برجام و خسارت‌های اقتصادی و امنیتی آن، اتفاق پیش‌بینی نشده و تصادف نبود بلکه بسیاری از صاحب نظران درباره مسلم بودن این روند هشدار می‌دادند و طبیعی بود دولت برجام و دیگر هیچ به تصریح برخی اصلاح‌طلبان، بلافاصله پس از اعلام توافق در تیر ۱۳۹۴ (و نه حتی اردیبهشت ۱۳۹۷) به آخر خط رسیده و تمام شده باشد. نهایتا این‌که بخش عمده‌ای از کج‌کارکردی دو دولت خاتمی و روحانی، مهندسی شده و برآمده از نفوذ سیاسی و فرهنگی بود و نه تصادف.

نقش دولت و کنگره آمریکا در ورشکستگی بانک سیلیکون‌ولی

روزنامه نیویورک تایمز درباره ورشکستگی بانک سیلیکون‌ولی تأکید کرد؛ درک ماجرا و رویدادهای مشابه در ۱۵ سال گذشته این است که بانک خصوصی واقعی وجود ندارد و بانکداری بخشی از زیرساخت عمومی با تبعات اجتماعی است.

نیویورک تایمز می‌نویسد: به دنبال ورشکستگی بانک‌های سیلیکون‌ولی، سیگنچر و فرست ریپابلیک، به نظر می‌رسد همه کسانی که در این کار نقش داشتند عملکرد بسیار بدی از خود نشان دادند. حتی با وجود اینکه مشکلات بانک سیلیکون‌ولی قبلا به طور گسترده مورد توجه قرار گرفته بود، ناظران و نهادها کاری نکردند. مدیران بانک در اصول اولیه پوشش ریسک در برابر خطر افزایش نرخ بهره شکست خوردند. بانک‌های متوسط، از جمله سیلیکون‌ولی، موفق به لابی با کنگره و دولت ترامپ شدند تا از برخی مقررات معاف شوند. صاحبان سرمایه‌های خطرپذیر با خروج خود از این بانک وحشت غیرضروری ایجاد کردند که یک موسسه مرکزی و مهم در صنعت خودشان را نابود کرد. فدرال رزرو نیز تورم را برای مدت زیادی نادیده گرفت و زمانی که واکنش شدیدی به این موضوع نشان داد، خود به یک عامل ریسک تبدیل شد.

فکر نمی‌کنم چنین افرادی که پیش از این در بحران‌های مختلف عملکرد خوبی از خود نشان داده‌اند، ناگهان احمق شده باشند. شاید بتوان تحلیل دیگری ارائه داد و گفت تغییر، ما را احمق می‌کند و ما همه در عصر تغییر زندگی می‌کنیم.

ست کلارمن، میلیاردر آمریکایی، در نامه‌ای به سرمایه‌گذاران در سال ۲۰۲۰ نوشت: ایده نرخ‌های پایین پایدار در همه چیز نفوذ کرده است؛ از جمله تفکر سرمایه‌گذار، پیش‌بینی‌های بازار و انتظارات تورمی. چنین سیاست‌هایی سرمایه‌گذاران را متقاعد کرده که خطر تورمی به خواب زمستانی رفته و به سادگی ناپدید شده است.

فروپاشی سیلیکون‌ولی در واقع به دلیل همان موضوعی است که کلارمن به آن اشاره کرده بود. ورشکستگی این بانک با نرخ بهره پایین برای مدت طولانی در اقتصاد آمریکا بی‌ارتباط نبود. در سال ۲۰۱۵، گرگ بکر، عامل بانک سیلیکون‌ولی، در شهادتی که به کمیته بانکداری سنا تسلیم کرد، گفت که تنظیم مالی داد-فرانک باید برای بانک‌هایی مانند بانک او تسهیل شوند. بکر هشدار داد که اگر این کار صورت نگیرد، بانک سیلیکون‌ولی احتمالاً باید منابع قابل توجهی را از تامین مالی شرکت‌هایی که در اقتصاد نوآوری اشتغال ایجاد می‌کنند به منظور رعایت استانداردهای احتیاطی پیشرفته و سایر الزامات منحرف کند.

نکته مهم در شهادت بکر این است که او معتقد بود بانک سیلیکون‌ولی ریسک سیستماتیک ایجاد نمی‌کند و جزو بانک‌هایی نیست که از این لحاظ اهمیت دارند. به طور معمول و بر اساس معیار دارایی، بانک‌هایی که دارایی ۵۰ میلیارد دلاری یا بیشتر داشته باشند دارای ریسک سیستماتیک هستند؛ یعنی در صورت سقوط یا ورشکستگی آنها، احتمال بروز آشوب و بی‌ثباتی در بازارهای مالی وجود دارد.

البته با وجود اینکه بانک سیلیکون‌ولی خود را از نظارت سیاستگذار به عنوان نهاد دارای ریسک سیستماتیک معاف کرد، روشن نیست که قانون‌گذاران، حتی اگر این اتفاق نمی‌افتاد، می‌توانستند مشکلات این بانک را تشخیص دهند. به عنوان مثال در گزارش‌های ۲۰۲۲ به خطرات افزایش نرخ بهره اشاره‌ای نشده بود. پس می‌توان نتیجه گرفت که سیاستگذاران به آنچه ممکن بود رخ دهد آگاه نبودند.

این موضوع یک نکته گسترده‌تر را روشن می‌کند؛ بانکداری شکلی حیاتی از زیرساخت عمومی است که وانمود می‌کنیم یک عمل خصوصی مدیریت ریسک است. مفهوم ریسک سیستماتیک عبارت بود از جدا کردن بانک‌های شبه دولتی (آنهایی که ما نجات می‌دهیم) از بانک‌های خصوصی واقعی که توانایی این را دارند که برای مدیریت بدهی‌مان تنها بمانند. اما درسی که از ۱۵ سال گذشته می‌آموزیم این که بانک خصوصی واقعی وجود ندارد یا حداقل نمی‌دانیم که کدام‌یک خصوصی هستند.

گفت و شنود

برو بخور!

گفت: فایل صوتی از دورهمی مجازی چند تن از سرکردگان گروه‌های ضدانقلاب فراری در «کلاب‌هاوس» را گوش کرده‌ای؟! اگر خواستی گوش کنی مواظب سلامتی خودت باش که از خنده‌رودهبُر نشی!

گفتم: چطور مگر؟ چی شده؟

گفت: برای مقابله با ایران اسلامی با هم در کلاب‌هاوس نشست مجازی داشته‌اند و از اول تا آخر این فایل صوتی بدترین و رکیک‌ترین فحش‌های چارپاداری را نصیب یکدیگر می‌کنند. سرکوهی به ارجمند می‌گوید پف...ز د...س، برو گم شو! ارجمند می‌گوید جا... بی‌پدر و مادر گ... زیادی نخور! فخرآور می‌گوید پف...ها، بهتون نشون میدم من کی هستم! یکی در جوابش می‌گوید مرتیکه د...س، در اسرائیل گ.. کی رو می‌خوردی؟! و...!

گفتم: از کوزه همان برون تراود که در اوست!

گفت: اشاره سربسته به فحاشی‌های آنها هم بیرون از ادب است ولی برای پی‌بردن به هویت کثیف این اجق وجق‌ها این اشاره‌های سربسته ضروری است.

گفتم: سگ‌های سورتمه وقتی با کوه بلند یخ روبه‌رو می‌شوند و از پا می‌افتند، همدیگر را گاز می‌گیرند و علیه یکدیگر واق واق می‌کنند!

گفت: تازه فخرآور به مجری می‌گوید چرا به من می‌گویند فلان زیادی نخور؟!

گفتم: حیوون زبون بسته حق داره! یارو به قاضی شکایت کرد و گفت؛ این مرتیکه به من میگه فلان زیادی نخور! قاضی گفت؛ غلط کرده! برو بخور!

نکته

جای جفرسون خالی !

**۱- چند سال قبل، روزنامه اعتماد یادداشت‌های سایت بی‌بی‌سی فارسی را با حذف نام نویسنده آن به عنوان یادداشت روزنامه اعتماد! چاپ می‌کرد! و سایت بی‌بی‌سی که یک دوجین از ایرانیان فراری را برای رصد مطبوعات ایران به استخدام گرفته است نیز هرگز به این اقدام روزنامه زنجیره‌ای اعتماد اعتراضی نمی‌کرد. به بیان دیگر روزنامه اعتماد نقش پایگاه داخلی سرویس